

## برای مؤثر بودن باید زحمت کشید

حجت الاسلام عالی به عنوان یک سخنران محبوب و شناخته شده، حرف‌هایی با برخی از خطیبان دارد. او می‌گوید: «بخشی از موفقیت اکتسابی است و یک سخنران باید برای آن زحمت بکشد؛ چون خداوند بدون زحمت و بی حساب و کتاب چیزی در دامن کسی نمی‌ریزد. همچنین یک خطیب خوب باید مطالعات گسترده داشته باشد تا بتواند در زمانه‌ای که اطلاعات دینی مردم بالا رفته و هر حرفی را به راحتی قبول نمی‌کنند، اطلاعات گسترده‌تری نسبت به مردم معمول داشته باشد».

او ادامه می‌دهد: «یک مسئله مهم دیگر، بحث روان‌شناسی تبلیغ است. یک سخنران موفق باید انواع مخاطب، سلیقه و ذائقه او را بشناسد و به تناسب آن حرف بزند. البته داشتن توسلات نیز بسیار مهم است که این امر، در اختیار خود آدم نیست و یک برکت است که اگر خداوند عنایت لازم را شامل حال فرد کند، سخنان یک خطیب می‌تواند روی دل‌ها تأثیر گذارد».

## سخنرانان توانمندی در راهند

گرچه در حال حاضر تا حد زیادی شاهد حاشیه‌نشینی سخنرانان هستیم، حجت الاسلام عالی نسبت به اصلاح این شرایط ابراز امیدواری کرده و از ظرفیت‌های موجود برای بهبود اوضاع خبر می‌دهد. او می‌گوید: «در حال حاضر قشر جوانی در حوزه می‌بینیم که خیلی باسلیقه، فهیم و به روز هستند. این افراد اگر وارد شوند و بر تجربیاتشان بیفزایند، قطعاً حرف‌های زیادی برای گفتن خواهند داشت».

او اضافه می‌کند: «بنده احساس مسئولیت را در این افراد می‌بینم و فکر می‌کنم که هریک از آن‌ها می‌توانند بیایند و کمک کنند تا در آینده‌ای نزدیک، شاهد اصلاح شرایط موجود و خروج مجالس از حالت تک بعدی باشیم. به‌واقع چنین ظرفیتی وجود دارد و اوضاع به همین منوال نخواهد ماند؛ بنابراین می‌توان ورود و تأثیرگذاری مبلغانی جوان و محبوب را پیش‌بینی کرد».



وقتی عرصه برای خودم فراهم شد، توانستم به‌درستی در این مسیر قدم گذارم.

**یعنی با دست پر وارد این عرصه شدید و از یکسری توانایی‌های خاص برخوردار بودید.**

همان‌طور که گفتم برای ورود به عرصه سخنرانی، از تمام اندوخته‌های حاصل از مطالعات، کارهای علمی وسیع و همچنین شیوه و سبک تدریس بهره بردم. به‌خصوص اینکه یک مدرس می‌تواند کاملاً شسته و رفته و بدون پراکنده‌گویی صحبت کند و در جذب مخاطب موفق ظاهر شود که این اصل در رابطه با من هم صدق می‌کرد و تجربیاتم در بحث تدریس باعث شد که سخنرانی‌ها هم از لحاظ محتوایی و هم از لحاظ شکل و قالب، کاملاً دسته‌بندی شده و سپس به گوش مردم برسد تا درک آن برای طیف‌های مختلف مردم آسان باشد. البته باید به این نکته نیز توجه داشت که شناخت سلیقه مخاطبان به قول خودمان، روان‌شناسی تبلیغ از ضروری‌ترین فاکتورهای یک سخنران است؛ زیرا یک سخنران باید توانایی این را داشته باشد که مخاطب خود و جامعه را بشناسد و به تناسب نیازهای موجود، کار را پیش ببرد.

**پس رعایت این فاکتورها باعث شد که حجت الاسلام عالی به جایگاه امروز خود برسد.**

اولین نکته برای موفقیت هر فردی از جمله یک سخنران، عنایت الهی است، اما بعد از این موضوع، رعایت همان نکاتی که ذکر شد، بسیار مهم است و خود من هم با رعایت همان نکات توانستم جلسات مفیدی داشته باشم. البته بنده برای هر جلسه زحمت می‌کشیدم و خدا می‌داند که اصلاً دلم نمی‌خواست به اصطلاح اسمم در کنم، اما به لطف خود خداوند، از نظر مردم تا حدودی این اتفاق افتاد و امیدوارم که حضورم برای آن‌ها مفید باشد.

برساند. درست مانند مثالی که آقای قرائتی زدند و گفتند: «زمانی غذا با دست‌پخت مادر مورد توجه بود، بعد فست‌فودها جایگزین شدند و بعد عصاره‌ها جای آن را گرفتند». حکایت سخنرانی و نشست‌های منبر هم بی‌شابهت به این موضوع نیست و مردم حوصله این را ندارند که بیایند ۴۰، ۵۰ دقیقه پای سخنرانی بنشینند. بیشتر آن‌ها دنبال این هستند که از لحاظ احساس و عواطف لذت ببرند که با مداحی به این خواسته خود می‌رسند. البته موضوع دیگری هم در رابطه با مردم مطرح است و آن هم مربوط به نگاهی است که متأسفانه گاهی به درستی یا به اشتباه نسبت به روحانیت دارند و همین مسئله نیز آن‌ها را از خطیبان دور کرده است که قاعدتاً درباره تمام این موانع، باید آسیب‌شناسی‌ها صورت بگیرد و راهکارهایی برای بهبود شرایط موجود ارائه شود.

**حاج آقا! با وجود تمام آسیب‌هایی که از آن‌ها یاد کردید، اما باز هم می‌بینیم که تعدادی از روحانیون همچون خود شما نه تنها به حاشیه نرفته‌اند، بلکه در لیست سخنرانان تراز اول قرار گرفته و بسیار هم مورد استقبال مردم هستند. می‌خواهیم بدانیم که حاج آقا عالی به‌عنوان یک سخنران محبوب، برای رسیدن و حفظ چنین جایگاهی، چه کرده و چه اصولی را مدنظر قرار داده است؟**

شاید باورش سخت باشد، اما از ابتدای طلبگی، چیزی که در خیال خودم هم نمی‌گنجید، همین سخنرانی بود. به‌واقع، بنده اصلاً سخنران نبودم و کار تدریس می‌کردم؛ به‌طوری که ۳۰ سال سابقه تدریس در حوزه و دانشگاه دارم. البته همواره در کنار تدریس، به‌خاطر علاقه شخصی خودم، بسیار مطالعه می‌کردم؛ از طرفی هم با یک سلیقه خاص، نقاط ضعف و قوت سخنرانان را بررسی می‌کردم که به سبب تمام این کارها،